

## ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایتمند: یک پژوهش گراند تئوری

## Long term satisfied marriage model: A grounded theory study

Abolfazl Hatami Varzaneh

Masoumeh Esmacily

Kioumars Farahbakhsh

Ahmad Borjali

ابوالفضل حاتمی ورزنه\*

معصومه اسمعیلی\*\*

کیومرث فرحبخش\*\*

احمد برجلی\*\*\*

## Abstract

A Long-term satisfied marriage provides a lot of positive outcome for mental, physical health and growth for the family members. The aim of this study was to present a model of the effective factors in long-term satisfied marriage. This study was done with qualitative research and grounded theory method. Purposeful sampling used to collect the data. Sampling continued until we get to theoretical saturation. So totally 20 couples with long-term satisfied marriages (20 years and upper) interviewed in semi structured and in-depth method and analyzed using the constant comparative method. Findings indicated that a journey to growing marriage we the core category of the study. Proper marriage selection category was the causal condition of divorce. This category consisted of initial love, proper independence, proper preparation, sufficient dating before marriage. Intervening conditions were divided into three categories of Intra personal factors (functional attitudes and personality characteristics), inter personal factors (functional marital, parental and family of origin system) and Meta personal factors (financial issues). Couples (like forgiveness, problem solving, apologizing, humor style) and family of origins functional strategies (mediating the problem) in difficulties of life and conflicts were explained. Finally Consequences consisted of satisfaction with self, spouse, children and long-term marriage that was considered 20 years and above in this study. This can be conclude that reaching to a growing marriage is not an onset event, but it is a process that couples can get that by passing the vicissitudes of life. Like a journey, it has its own beauties and difficulties. Those marriages reach to the growing marriages that provided by right elements and strategies.

**Keywords:** model, long term, satisfied, marriage, grounded theory, qualitative study

## چکیده

ازدواج پایدار و رضایت‌بخش، برآمدهای مثبت بسیاری مانند سلامت روانی، سلامت بدنی و رشد را برای اعضای خانواده فراهم می‌آورد. این پژوهش با هدف ارائه الگویی از عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند انجام گرفت. پژوهش با شیوه کیفی و با به کارگیری روش نظریه زمینهای انجام شد. با به کار بردن روش نمونه‌گیری هدفمند آزمودنی‌ها گزینش شدند و تا رسیدن به اشباع نظری در نهایت ۲۰ نفر (۱۰ زوج) دارای ازدواج پایدار رضایتمند (با طول مدت ازدواج ۲۰ سال و بالاتر) مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. برآمدها نشانگر این است که گذری به‌سوی بالندگی ازدواج، مقوله مرکزی الگوی ازدواج پایداری رضایتمند است. برآمدها بیان‌کننده این است که مقوله شکل‌گیری درست ازدواج جزء شرایط علی برای ازدواج پایدار رضایتمند است که دربردارنده مفاهیمی همچون داشتن آمادگی کمابیش پیش ازدواج، ناوابستگی کمابیش پیش ازدواج، داشتن کشش و علاقه نخستین و آشنایی پیش ازدواج است. عوامل درون شخصی (نگرش‌های کارآمد و ویژگی‌های شخصیتی پسندیده) و میان فردی (منظومه زناشویی پدرمادری و چند نسلی کارآمد) و فرا فردی (مالی و کاری) ازجمله عوامل میانجی کارآمد در ازدواج پایدار می‌باشند. همچنین برخی راهبردهایی که به دست همسران پایدار رضایتمند (مانند گذشت، حل مسئله، پوزش خواستن و شوخ‌طبعی) و خانواده‌های مبدأ آن‌ها اتخاذ رفتارهای تعدیل‌کننده مشکل) در هنگام سختی‌ها و شرایط نبود عوامل منتهی به ازدواج پایدار مورد استفاده قرار می‌گرفت نیز شناسایی شد. پیامد فرجامین عبارت بود از رضایتمندی (از خود، همسر، فرزندان) و پایداری ازدواج که در این پژوهش ۲۰ سال در نظر گرفته شد. می‌توان نتیجه گرفت که رسیدن به ازدواج بالنده پیش آمدی ناگهانی نیست چه‌بسا فرایندی است که با گذر از فراز و نشیب‌های زندگی، همسران می‌توانند به آن برسند و مانند هر سفری زیبایی‌ها و سختی‌های ویژه خود را دارد و ازدواج‌هایی به بالندگی می‌رسند که مجهز به مؤلفه‌ها و راهبردهای درخور این سفر باشند.

**واژگان کلیدی:** الگو، پایدار، رضایتمند، نظریه زمینهای، پژوهش کیفی

## مقدمه

در سراسر مسیر زندگی زوجی، همسران با زمان‌های شادکامی و همچنین زمان‌های سختی مواجه می‌شوند. در پاسخ به این زمان‌ها، برخی همسران طلاق می‌گیرند درحالی‌که برخی دیگر با وجود سختی‌های پیش رو رابطه‌ای شاد و کامروا ایجاد می‌کنند (دونگ لی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

اگرچه مطالعات بسیاری در ارتباط با ازدواج انجام شده، بیشتر این پژوهش‌ها روی رابطه‌ای که رضایتمند و بلندمدت هستند تمرکز نکرده‌اند، بلکه روی متغیرهای تمرکز کرده‌اند که مایه از هم پاشیدن ازدواج‌ها هستند (به نقل از نیمتز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). همان‌گونه که والش<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) خاطرنشان کرده است با گسترش نگرانی‌ها از گسستگی پیوندهای خانوادگی، ما نیاز بیشتری به فهم فرایندهایی که می‌تواند خانواده‌ها را در برابر چالش‌ها محافظت کند، احساس می‌کنیم (صیدی و باقریان، ۱۳۹۰).

درحالی‌که برخی ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامند، تعدادی ازدواج‌ها هم وجود دارند که سالم و پایدار باقی می‌مانند، اخیراً در دنیا گرایشی پیداشده است که به جای تمرکز بر عوامل مؤثر بر طلاق همسران، بر روی ازدواج‌هایی که پایدار و رضایتمند مانده‌اند تمرکز کرده است. تمرکز بر اینکه چه عواملی مایه پایداری ازدواج‌ها می‌شود، مایه به دست آمدن تصویری می‌گردد که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های پایدار در جامعه سازنده باشد. اگر پژوهشگران بتوانند عواملی را شناسایی کنند که ازدواج را بر روی مسیر موفقیت قرار می‌دهد، جامعه می‌تواند نرخ پایین‌تری از طلاق، افزایش دوام، پایداری و رضایت در ازدواج را تجربه کند (به نقل از نیمتز، ۲۰۱۱).

روابط زناشویی پایدار و رضایت‌بخش، در فراهم آوردن نتایج مثبت بسیار برای اعضای خانواده از جمله سلامت روانی مثبت، سلامت بدنی و رشد کارآمد هستند. این روابط زناشویی محیطی مساعد را برای کودکان فراهم می‌آورد و همچنین رشد و سلامتی اعضای خانواده را ارتقاء می‌دهند (میخالیتسیانوف<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴).

1. Dung Le

2. Nimtz

3. Walsh

4. Michalitsianis

روان‌شناسان برای نخستین بار کوشیدند عواملی که می‌تواند احساس رضایت افراد در زندگی مشترک را افزایش دهد، شناسایی کنند، این عوامل در سه عنوان کلی دسته‌بندی می‌شود: الف) عوامل درون فردی: نظیر ویژگی‌های شخصیتی و همانندسازی سطح هوشی افراد؛ ب) عوامل میان فردی: مانند مهارت حل مشکل و شیوه‌های دل‌بستگی؛ ج) عوامل پیرامونی: نظیر سطح برخورداری اقتصادی و نوع شغل (زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۱).

چیونگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) یادآور شده که ازدواج‌ها دارای اشکال، ساختار و معانی گوناگونی در فرهنگ‌های گوناگون هستند و همچنین طی زمان تغییر می‌کنند. در ازدواج‌های امروزی در غرب، افراد برای عشق، شادی و کامروایی شخصی با همدیگر ازدواج می‌کنند. آن‌ها در جستجوی چیزی بیش از یک محیط مولد هستند (به نقل از دونگ لی، ۲۰۰۸). ازدواج در ایران به‌عنوان یک کشور اسلامی متفاوت از فرهنگ غربی است، به‌طوری‌که مطالعات انجام‌شده درباره ازدواج در فرهنگ غربی را نمی‌توان به‌راحتی به جامعه ایرانی تعمیم داد.

به‌علاوه عمده ادراک‌های سازنده ازدواج‌های پایدار رضایت‌بخش از بافت بالینی سرچشمه گرفته است (به نقل از نیمتز، ۲۰۱۱) و به نظر می‌رسد که بلوک‌های سازنده نظری بسیاری از صاحب‌نظران مشهور نظیر اسمالی<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) و هارلی<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) درباره روابط زناشویی سالم، استوار بر ادراک‌هایی است که از محیط‌های بالینی نشأت گرفته است. احتیاط در این است که فرض کنیم که این داده‌ها ممکن است به دلیل این فرض مقدم به وجود آمده باشد که مشاوران عموماً تنها با ازدواج‌های مشکل‌دار کار می‌کنند (به نقل از نیمتز، ۲۰۱۱) و از مفهوم‌سازی با کمک ادراک‌های به‌دست‌آمده ازدواج‌های پایدار رضایتمند غافل بوده‌اند.

فرض‌بنیادی در تحقیقاتی که از دیدگاه توانایی محور به مسائل خانواده می‌نگرند، همچون پژوهش‌ها راجع به ازدواج‌های پایدار رضایتمند، این است که احتمالاً زوج‌های دارای ازدواج پایدار رضایتمند دارای ویژگی‌ها و منابعی هستند که آن‌ها را قادر ساخته تا روابطشان را در برابر تنیدگی‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی به‌خوبی حفظ کنند (کاسلو رابینسون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶).

1. Cheung

2. Smalley

3. Harley

4. Kaslow & Robison

پژوهش‌هایی چند در غرب مسئله عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار را مورد بررسی قرار دادند. در پژوهش انجام‌شده به وسیله باچاند و کارون<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) بر روی ۱۵ زوج دارای ازدواج پایدار عوامل زیر شناسایی شد که به نظر همسران مورد تحقیق و پژوهشگران عوامل کمک‌کننده به دیرپایی و شادی ازدواج بودند: دوستی و عشق، احترام<sup>۲</sup> و احساس قدردانی<sup>۳</sup>، اعتماد وفاداری<sup>۴</sup>، ارتباط خوب، رابطه جنسی خوب، ارزش‌های مشترک، همکاری و حمایت متقابل<sup>۵</sup>، لذت بردن از زمان مشترک<sup>۶</sup>، توانایی انعطاف‌پذیری در هنگام مواجهه با تغییر و حساسیت از معنویت، باور به نهاد ازدواج و پیش‌فرض تداوم داشتن زندگی<sup>۷</sup>.

بروکز<sup>۸</sup> (۲۰۰۶) در پژوهش خود به بررسی عوامل کمک‌کننده به رضایت و تاب‌آوری<sup>۹</sup> در ازدواج‌های پایدار آفریقایی آمریکایی پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل زیر در ازدواج‌های موفق نقش داشتند: تعهد، اعتماد، مذهب، تشابه، ارتباطات، گذراندن زمان با یکدیگر، عشق، درک کردن، اشتیاق در بخشیدن و فعالیت جنسی.

کولاموسی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "زن ایرانی در ازدواج: یک پژوهش اکتشافی"، به بررسی و کاوش تجربه زنان ایرانی مهاجر در آمریکا و آنچه ازدواج ایرانی‌ها را موفق می‌سازد پرداخت. خوشه مضامینی نیز از تحلیل داده‌های این پژوهش حاصل شده که به صورت زیر است: خوشه ۱- خویشان سببی تأثیر زیادی بر روی موفقیت ازدواج دارند و نیاز به حفظ مرزهای مناسب با خانواده‌های سببی وجود دارد. خوشه ۲- مصالحه کردن به خاطر حفظ رابطه. خوشه ۳- یک حس کلی از احترام و عشق نسبت به یکدیگر و خانواده. خوشه ۴- تحمل ناکامل بودن‌ها و اشتباه‌های همسر. خوشه ۵- نا وابستگی و اعتماد به یکدیگر در ازدواج.

---

1. Bachand & Caron

2. respect

3. feeling appreciated

4. trust and fidelity

5. cooperation and mutual support

6. enjoyment of shared time

7. assumption of permanence

8. Brooks

9. resiliency

10. Colamussi

البته همان‌طور که پارکر (۲۰۰۰) بیان کرده است ازدواج‌های پایدار برای همه زن و شوهرها رضایتمند نیستند، یعنی زن و شوهرهایی نیز هستند که در ازدواج‌های ناشاد به دلایل متنوع می‌مانند؛ و این می‌تواند دلیلی باشد برای اینکه ما در این پژوهش ازدواج‌های پایداری را در نظر بگیریم که از زندگی خود نیز رضایتمندی دارند. رضایتمندی زناشویی مفهومی است که اغلب برای اشاره به کیفیت، شادکامی و یا این حقیقت به کار می‌رود که نیازهای اساسی میان همسران در ازدواجشان برآورده می‌شود.

در این پژوهش از روش پژوهش کیفی برای بررسی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند استفاده کرده‌ایم، زیرا پژوهش کیفی می‌تواند بالأخص در پژوهش خانواده‌ها متناسب باشد، به این خاطر که این رویکرد می‌تواند به‌عنوان "پنجره‌ای که از راه آن ما می‌توانیم الگوهای تعامل میان اعضای خانواده را مشاهده کنیم" عمل کند (دالی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲، به نقل از هاپکینز-ویلیامز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷)، به این صورت که این روش قادر است "پنجره‌ها را برای ما باز باز کند" و حجاب‌ها را از روی معانی، فرایندها و روابطی که دستیابی به آن‌ها از راه دیگر رویکردها مشکل است، بردارد و بدین وسیله دیدی غنی از زندگی از دیدگاهی چندبعدی ارائه می‌گردد. این رویکرد برخلاف رویکرد کمی است که بر میانگین‌ها تمرکز دارد و در همین حین برون دادها را مرتب می‌کند<sup>۳</sup> و اهمیت تجربه فردی و خانوادگی را به دست کم می‌رساند (به نقل از هاپکینز-ویلیامز، ۲۰۰۷).

در پیکره متون ازدواج مستحکم نیاز به مطالعات عمیق‌تر به‌منظور بررسی چگونگی، چرایی‌ها و فرایند ازدواج همسرانی که ازدواج پایدار دارند، وجود دارد (به نقل از هاپکینز ویلیامز، ۲۰۰۷). ما به‌طور کلی درباره ازدواج‌های مستحکم اندک می‌دانیم و حتی خلأ وجود پژوهش درباره ازدواج‌های پایدار بیشتر احساس می‌شود (به نقل از هاپکینز- ویلیامز، ۲۰۰۷). می‌توان گفت این احساس نیاز در ایران بیشتر است زیرا جستجوهای پژوهشگر در منابع اطلاعاتی نشان داد که تاکنون هیچ پژوهشی درباره ازدواج‌های پایدار رضایتمند در ایران انجام نشده است.

<sup>1</sup>. Daly

<sup>2</sup> Hopkins- Williams

<sup>3</sup>. while trimming outliers

با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر با هدف کشف عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند با عمری بیش از ۲۰ سال به منظور ارائه الگویی از دواج‌های پایدار رضایتمند انجام شد.

## روش

بیش از صد رویکرد به پژوهش کیفی وجود دارد (دنزین و لینکن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). در این پژوهش از میان رویکردهای متعدد پژوهش کیفی رویکرد نظریه زمینه‌ای استفاده کرده‌ایم. برخلاف روش پژوهشی فرضیه آزمایی، رویکرد نظریه زمینه‌ای روش پژوهشی مولد فرضیات است. در این روش ما از پرسش و کاوش باز پاسخ<sup>۲</sup> و نیمه ساختاریافته استفاده کرده‌ایم. به این صورت که ابتدا با توجه به ادبیات پژوهش، سؤالات مصاحبه نیمه ساختاریافته در زمینه خانواده سالم تدوین شد. به نحوی که با سؤالات تدوین شده بتوان عوامل مؤثر بر پایداری و رضایتمندی ازدواج‌ها را از نظر همسران دارای ازدواج پایدار رضایتمند جویا شد.

در مصاحبه نیمه ساختاریافته پرسش‌ها در یک راهنمای مصاحبه با تمرکز بر روی مسائل یا حوزه‌ای که باید پوشش و مسیرهایی که باید پیگیری شود، گنجانیده می‌شود. توالی پرسش‌ها برای همه شرکت‌کننده‌ها مثل هم نیست و به فرایند مصاحبه و پاسخ‌های فرد بستگی دارد؛ ولی راهنمای مصاحبه به پژوهشگر اطمینان می‌دهد انواع مشابهی از داده‌ها را از همه آگاهی‌دهندگان گردآوری کند (هومن، ۱۳۹۳؛ به نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۹۴). این نوع مصاحبه، در عین تمرکز بر موضوع پژوهش، با دارا بودن انعطاف‌پذیری لازم، به مصاحبه‌شوندگان امکان می‌دهد به جنبه‌هایی از موضوع بپردازند که از دیدگاه آن‌ها دارای اهمیت است (حریری، ۱۳۹۰؛ به نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۹۴).

بنابراین در این پژوهش برای اینکه تمام حوزه‌های ازدواج‌های پایدار رضایتمند پوشش داده شود و انواع مشابهی از داده‌ها استخراج شود و همچنین به علت انعطاف‌پذیری از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده گردید.

پس از طراحی سؤالات مصاحبه، جلسات مصاحبه با همسران دارای ازدواج پایدار رضایتمند، توسط پژوهشگر مسئول انجام شد. البته پیش از آغاز هر مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان برای

1. Denzin & Lincoln

2. open.ended

شرکت در پژوهش و ضبط صدا رضایت گرفته شد و راجع به اهداف پژوهش حاضر، علت ضبط جلسه مصاحبه، محرمانه ماندن اطلاعات و هویت آن‌ها توضیحات لازم ارائه شد.

تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده طی فرایندی منظم و درعین حال مداوم از مقایسه داده‌ها بود و برای این کار از فرایند سه مرحله‌ای، کدگذاری باز<sup>۱</sup>، کدگذاری محوری<sup>۲</sup>، کدگذاری انتخابی (مطابق با رویکرد استراوس و کوربین) استفاده شد (استراوس و کوربین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰). فرایند کدگذاری داده‌ها در جریان گردآوری داده‌ها به اجرا درآمد. در ابتدا فایل صوتی مصاحبه‌های ضبط‌شده به صورت متن درآمد و برای کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده و مفاهیم اصلی استخراج و به صورت کد ثبت شد و سپس کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار گرفتند. در کدگذاری محوری طبقات به طبقات محوری خود ربط داده شدند تا تبیین‌های دقیق‌تر و کامل‌تری درباره پدیده ارائه شد. همچنین در کدگذاری محوری دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز تشکیل شده بودند با هم مقایسه و آن‌هایی که با هم شباهت داشتند حول محور مشترکی قرار گرفتند. در نهایت در کدگذاری انتخابی یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها انجام شد؛ و یک مقوله به عنوان مقوله مرکزی انتخاب شد و بر محور مقوله مرکزی مدل موردنظر طراحی شد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰).

### جامعه و نمونه

جامعه آماری این پژوهش همه همسران دارای ازدواج پایدار رضایتمند در شهر زنجان در سال ۱۳۹۳ بود که دارای ازدواجی با بیش از ۲۰ سال دوام و دست کم یک فرزند بودند. از نمونه‌گیری گلوله برفی برای شناسایی افراد واجد شرایط این پژوهش استفاده شد. به این صورت که از اولین زوجی که به طور هدفمند انتخاب گردید و مورد مصاحبه قرار گرفت خواسته شد که زوج دیگری که می‌شناسند دارای ملاک‌های این پژوهش بوده و مایل به همکاری هست را معرفی کنند و پس از تماس با آن‌ها به منظور اطمینان از دارا بودن شرایط ورود به پژوهش، ملاک‌های ورود به پژوهش بررسی شد و مصاحبه نیمه ساختارمند پژوهش با این افراد اجرا شد. ملاک‌های موردبررسی در انتخاب نمونه دربرگیرنده موارد زیر بود: ۱- زن

1. open coding

2. axial coding

3. Strauss & Corbin

و شوهر هر دو ایرانی باشند. ۲- ازدواج کنونی اولین ازدواج آن‌ها باشد و دارای دست کم یک فرزند باشند. ۳- همسران باید در زمان مصاحبه دست کم ۲۰ سال ازدواجشان گذشته باشد. ۴- همسران خودشان را به عنوانی افرادی رضایتمند بشناسند و در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ نمره رضایت بالا و خیلی بالا کسب کرده باشند. ملاک‌های گزینش نمونه اطمینان را ایجاد کرد که تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش ازدواج پایدار رضایتمند موردنظر این پژوهش را تجربه کرده‌اند و دارای اطلاعات غنی راجع به موضوع پژوهش هستند. نمونه‌گیری در این پژوهش تا حد اشباع نظری یعنی تا جایی که در جریان مصاحبه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامد، ادامه پیدا کرد؛ که در نهایت ۲۰ نفر (۱۰ زوج) با روش نمونه‌گیری گلوله برفی موردبررسی قرار گرفتند.

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد یافته‌ها از سه فن مرسوم زیر استفاده شد (سیلورمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵): ۱- مهار و اعتباریابی توسط اعضا: در این قسمت از شرکت‌کنندگان خواسته شد یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و درباره صحت آن نظر دهند. ۲- مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. ۳- استفاده از فن ممیزی: در این زمینه سه متخصص در حوزه نظریه زمینه‌ای بر مراحل گوناگون کدگذاری و مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

### یافته‌ها

در پایان فرایند کدگذاری باز و محوری مفاهیم و مقولات مستخرج شدند. پس از انجام کدگذاری انتخابی ارتباط این مقولات با یکدیگر در قالب مدل پارادایمی استوار بر نظریه زمینه‌ای شناسایی شد که در شکل شماره ۱ در آخر همین بخش تحت عنوان الگوی ازدواج پایدار رضایتمند نشان داده شده است.

در ادامه به تفکیک نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌پردازیم که در یک نمای کلی در قالب الگوی ازدواج پایدار رضایتمند در شکل شماره ۱ در آخر این بخش ارائه شده است. لازم است یادآوری شود که برای اینکه هویت شرکت‌کنندگان در

<sup>1</sup>. Silverman



پژوهش فاش نشود مصداق‌های ذکرشده با نام خانوادگی واقعی افراد نیامده بلکه عوض شده‌اند.

در این الگو، عامل علی دربرگیرنده مقوله شکل‌گیری درست ازدواج است که دربردارنده مفاهیم متعددی بود که در زیر به آن پرداخته شده است. مقوله شکل‌گیری درست ازدواج دربرگیرنده مفاهیم زیر است.

وجود کشش و علاقه نخستین. خانم رضایی: ما به هم علاقه داشتیم وقتی دیدمش ازش خوشم احمد همسرم هم وقتی منو دید خوشش احمد. خانم اکبری: دوشش داشتم، اون کشش رو داشتم حالا بگید کشش، عشق، دوست داشتن هر چی که بود این جاذبه برای من بود. خانم ملکی: اون عشق و علاقه نخستین در ما وجود داشته که این زندگی ادامه پیدا کرده، عشق و علاقه نخستین که باشه ۹۰ درصد مشکلات حله.

آمادگی نسبی برای ازدواج. آقای مرادی: فکر می‌کنم هیچ‌کس آمادگی صد در صد رو ندار، ولی نسبت به هم سن و سال‌های خودمون پخته‌تر بودیم. خانم رضایی: خوب من فکر می‌کردم ازدواجم به موقع است و آماده بودم. آقای رضایی: من ۲۳ ساله بودم که ازدواج کردم، کارمند بودم و کار کرده بودم و آمادگی داشتم برای ازدواج.

آشنایی پیش ازدواج. خانم ملکی: اتفاقاً پیش از اینکه با هم عقد بکنیم با هم صحبت می‌کردیم، یه آشنایی مقدماتی می‌خواستیم با هم پیدا کنیم. خانم اکبری: ما می‌نشستیم با هم حرف می‌زدیم، راجع به اعتقاداتمون با هم حرف می‌زدیم مثلاً چی دوست داری، یک سال تقریباً که می‌شناختیم و همش حرف می‌زدیم با هم، این از خودش به من می‌گفت من از خودم بهش می‌گفتم. خانم جعفری: ۵ و ۶ ماه بعد از اینکه صحبت کردیم عقد کردیم

برخورداری از نا وابستگی نسبی. آقای فاضلی: من از ۱۸ سالگی از پدرم پول توجیبی نگرفتم، می‌گفتم باید خودم کار کنم. آقای اکبری: من از همون ۱۶ سالگی روی پای خودم ایستادم می‌رفتم صداوسیما کار می‌کردم زیاد نمی‌دادن ولی همون صد تومن نیاز هام را رفع می‌کرد تو اون سن.

انتخاب آگاهانه. آقای اکبری: من یه کتاب درباره ازدواج خوندم پیش از اینکه ازدواج کنم و سعی کردم بر پایه معیارهایی که تو اون کتاب بود به افرادی که می‌شناختم نمره

بدم، همسرم بالاترین نمره را آورد. آقای مرادی: پیش ازدواج او بدم رو برگه نوشتم که آقا این ویژگی‌ها مثبت رو داره و این ویژگی‌ها منفی رو داره و بالا و پایین کردم که آیا میشه روش حساب کرد یا نه

در ادامه عوامل مداخله‌ای شناسایی شدند در این زمینه به تعدادی مقوله در پژوهش حاضر دست یافتیم که مایه تسهیل و تداوم رابطه رضایتمند گردید که آن‌ها را در سه دسته مقولات اصلی دست بندی کردیم که عبارت‌اند از: **۱. عوامل درون فردی**، **۲. عوامل میان فردی**، **۳. عوامل فرا فردی**. عوامل درون فردی دربرگیرنده مفاهیمی همچون نگرش‌های همسران در رابطه با خود، همسر، خانواده مبدأ و دیگران، زندگی زناشویی و خدا بود که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.

### عوامل درون فردی

۱. نگرش‌های مربوط به خود، دربرگیرنده خرده مقولات زیر است:

**قبول داشتن خود.** آقای فاضلی: وقتی گذشته رو نگاه می‌کنم می‌بینم که آدم موفق بودم. آقای ملکی: من فکر می‌کنم که در مقایسه با جامعه موفق بودم و از خودم راضی هستم.

**تغییر را باید از خود آغاز کرد.** آقای مرادی: من نخست سعی کردم و می‌کنم که تو رفتار خودم به تغییراتی رو بدم. خانم اکبری: توی زندگی هر انسانی از نظر انسانیت باید انسان باشه تا انتظار داشته باشه که دیگران هم خوب شن؛ یعنی باید از خودش آغاز کنه، آنگه این انسانیت نباشه، این خوب بودن نباشه چطور میتونه انتظار داشته باشه، مثلاً من نماز میخونم به بچه‌ها میگم بخونید، به روزی که خودم نخوندم جرئت نمی‌کنم بگم به بچه‌ام نمازت رو خوندی، خب وقتی من خودم نخوندم چه جوری به اون بگم.

۲. نگرش‌های مربوط به همسر دربرگیرنده خرده مقولات زیر است:

**قبول داشتن همسر.** آقای خسروی: خانوم من به شخص موفقیه، از لحاظ مدارج تحصیلی و علمی، تو خانواده محبوبیت دارن، از هر لحاظ به هر حال ایشون قوی هستن. خانم خسروی: شوهرم کوشش خیلی خوبی داشت، روحیه معنوی همسرم را بیشتر از خودم می‌پسندم. خانم جعفری: شوهرم آدم مهربون و منطقیه. خانم ملکی: همسرم آدمیه که خانواده داره، اهل کاره، خوب به سری مردها احساس مسئولیت پذیری ندارن به خانوادشون، ولی همسرم

هر کاری که از دستش برآمده که بتونه من رو خوشبخت کنه واقعاً کم کاری نکرده از هر لحاظ همسر من رو قبول دارم.

**انتظار در حد توان داشتن از همسر.** آقای اکبری: به عامل برای موفقیت ما انتظارات بیشتر از توان نداشتن، آقای رضایی: به نظرم خانوم من خیلی عاقله تا حالا هیچ وقت نشده که مثل زن های دیگه از من چیزی فراتر از حد توانم بخواد.

**در اولویت بودن همسر نسبت به فرزندان و خانواده مبدأ.** آقای خسروی: من به خانوم می گفتم به هر حال خانواده ام هستن ولی اولویت نخست به هر حال شماست. آقای اکبری: من واقعاً میگم آگه بخوایم تقسیم بندی کنیم شاید همسر من رو از سه تا بچه هام بیشتر دوست دارم یعنی اون سه تا رو به جا بذاری درحالی که مهر پدری و این جور چیزها همه دخیل هستن باز هم به تنهایی این رو از اون سه تا بیشتر دوست دارم.

۳. نگرش های مرتبط با خانواده های مبدأ، دربرگیرنده خرده مقولات زیر است:

**تفکیک حساب همسر از خانواده مبدأ.** آقای مرادی: هیچ موقع من کارایی را که مادر خانم می کنه به پای خانم نمی زارم یا مثلاً برادرش می کنه به پای اون نمی زارم و ایشون هم همین طور. خانم جعفری: من همیشه حواسم هست که شوهرم را به خاطر مسائلی که خانوادش پیش میارن یا دارن بازخواست نکنم

**مقبول و مثبت دانستن خانواده های مبدأ.** خانم ملکی: آدمای خوبی هستن با وجودیکه مادرم با ما زندگی میکنن و مادر شوهرم هم، ۹۰ درصد روزها پیش ما هستن ولی اصلاً بحشون نشده. آقای خسروی: خانواده و کلاً فامیلاشون خیلی مثبتن یعنی وجهه خوبی دارن و سرشون تو کار خودشون آگه لازم باشه به دیگران هم کمک می کنن.

۴. نگرش های مرتبط با دیگران، دربرگیرنده خرده مقولات زیر است:

**اولویت داشتن امور خانواده نسبت به دیگران.** آقای مرادی: قبلاً بیش از حد دغدغه خانواده رو داشتم، الآن هم سعی خودم رو می کنم ولی نه به این اندازه که حق خانوم را حق خانوادم را بخورم برای این که اونا کارشون درست بشه. آقای فاضلی: همیشه شعار من آینه که من اگر نتونم به زن و بچم برسم و بهشون محبت کنم نمی تونم به خانواده خودم هم درست کمک کنم، همیشه سعی کردم تمرکز من نخست بر روی خانواده باشه، البته حواسم به خانواده هامون هم هست.

۵. نگرش‌های مرتبط با خدا، دربرگیرنده خرده مقولات زیر است:

نقش مثبت خدا در زندگی. خانم فاضلی: من هر چی دارم از خدا دارم. آ رضایی: خدا همیشه در حق ما مثل بقیه بنده‌هاش لطف داشته و دستمون را گرفته. تکیه به خدا. آقای مجیدی: زندگی کنی خدا رو هم در نظر بگیری. نخست باید خدا رو در نظر بگیری، توکل به خدا. خانم ملکی: همیشه تو سختی‌ها به خدا توکل کردیم و بهش پناه بردیم.

رابطه خوب با خدا. خانم فاضلی: خیلی ارتباطم با خدا خوبه، هر چی خواستم بهم داده، هر چی از خدا بخوام باهاش راز و نیاز می‌کنم بهم می‌ده. آقای رضایی: همیشه سعی کردم که رابطه‌مو با خدا حفظ کنم، یعنی همیشه ناظر بر اعمالم بینم. انجام اعمال و دستورات مذهبی. خانم زارعی: قران خیلی بهش آرامش میده مثلاً صبح بعد اذان و نماز صبح حتماً میشینه قران میخونه. آقای رضایی: ما به نماز خوندن و روزه گرفتن تو خونمون خیلی اهمیت میدیم، نه این که زور باشه همه براشون مهمه. همسو بودن دینی و اعتقادی. آقای اکبری: این که زن و شوهر با هم هم کفو از لحاظ فکری (مذهبی و اعتقادی) باشن خیلی مهمه و ما هستیم. خانم مرادی: ما تو زمینه مسائل دینی و مذهبی با هم کاملاً توافق داریم و تقریباً عقایدمون شبیه همه.

۶. نگرش‌های مرتبط با زندگی زنشویی، دربرگیرنده خرده مقولات زیر است:

انتظار سختی را از زندگی داشتن. خانم مجیدی: اون موقع که ما ازدواج کردیم حاج آقا رفت جبهه من ۸ سال با بچه‌ها تنها بودم. حاج آقا به هم می‌گفت مشکلی چیزی؟ می‌گفتم آدم باید تحمل کنه زندگی این جوریه میشه دیگه. آقای زارعی: زندگی زن و شوهری یه جوریه باید بفهمی زندگی یعنی چی زندگی رو باید بفهمی، بفهمی زندگی سختی داره، خرج داره.

وجود اختلاف را در زندگی طبیعی دانستن. آقای ملکی: اختلاف تو هر زندگی‌ای هست منتها سعی و کوشش برای رفع مشکل و از میان بردن اختلاف‌ها مهمه. آقای خسروی: مگه میشه زندگی بدون اختلاف باشه، هر زندگی توش اختلاف‌هایی هست. تو زندگی ما هم بوده ولی سعی کردیم مدیریتش کنیم.

**پیش فرض تد/اوم زندگی.** خانم مرادی: انگیزه خیلی مهمه، اینکه آدم بخواد زندگی پابرجا بمونه، خوب بگذره، به خوشی بگذره. آقای ملکی: من همیشه به ایجاد یک زندگی خوب فکر می کردم و می کنم زندگی پر از عشق و محبت.

ویژگی های شخصیتی مؤثر دربرگیرنده ریز مقولات زیر است:

**سخت کوش، پرتلاش بودن و روحیه جنگنده داشتن.** خانم زارعی: ما یه دختر دانشجو داریم با حقوق کارمندی هر جور که شده سعی می کنه پول فراهم کنه، به خودش سختی میده ولی فراهم میکنه؛ آفاضلی: به خودم گفتم باید آنقدر بجنگم تا ایشون را راضی کنم **مقاومت، صبور بودن و تحمل سختی ها.** آقای زارعی: ما تو زندگی سختی داشتیم ولی تحمل هم داشتیم. آقای رضایی: ما سختی زیاد داشتیم، همشو تحمل کردیم ولی خدای نکرده نگفتم مثلاً من تو را نمی خوام.

**از خودگذشتگی.** آقای ملکی: من اون جایی که واسه خانواده من و یا خانواده همسر مشکل پیش میاد خودم را میذارم کنار و سعی می کنم بچسبیم به مشکل اونا و حلش کنیم. خانم مرادی: خیلی جاها بوده که از خواسته ها و آرزوها هم گذشتم یا حتی اون چیزهایی که حقم بوده را گذاشتم کنار تا زندگی من لذت بخش باقی بمونه.

**نوع دوستی، کمک به انسان های دیگر.** آقای خسروی: هر وقت دوروبر ما کسی مریض بوده یا مشکل داشته ما پیش قدم بودیم. وقتی یه کسی مشکل دار خانوم من سریع پیش قدم میشه، مشکل دیگران رو مشکل خودمون می دونیم. آقای مرادی: هم من، هم خانومم حواسمون به اطرافیانمون هست هر جا کمکی از دستمون برمیاد سعی می کنیم انجام بدیم. خانومم تو مؤسسات خیریه هم کمک میکنه.

## عوامل میان فردی

از میان عوامل میان فردی خود که مشتمل بر مقولات و خرده مقولاتی متنوعی است کارکرد خوب منظومه زوجی دربرگیرنده موارد زیر است.

### ۱. عشق ورزی و تعلق خاطر

*ابراز کلامی و غیرکلامی محبت.* آقای جعفری: من همسرم را بغل می‌کنم؛ خانم نادری: سرم را می‌زارم روی پاهاش تلویزیون نگاه می‌کنم، مثلاً شوهرم با موهام بازی می‌کنه. خانم فاضلی: از هر فرصتی استفاده می‌کنم که محبتم را بهش نشون بدم.

*احساس دلسوزی و شفقت و محبت به هم داشتن.* خانم خسروی: واقعاً دوشم دارم به موقعی دلش رو بخوام بشکنم به حرفی بگم که ناراحتش بکنه بیشتر خودم ناراحت میشم. آقای کرمی: سعی می‌کنم باهش مهربون باشم و درکش کنم، دلم نیامد بینم ناراحت بشه یا خسته بشه.

*مراقبت از هم.* آقای رضایی: نمی‌گذارم وقتی زخم از سرکار میاد بچه‌ها شلوغ کنن تا زخم بتونه استراحت کنه. خانم خسروی: حواسم بهش هست، وقتی که خسته هست سعی می‌کنم کنارش باشم ازش پذیرایی کنم.

*رابطه جنسی خوب.* آقای کرمی: ما رابطه جنسیمون خوبه. خانم مرادی: از روابط زناشویمون راضی هستم، همسرم هم راضیه.

*صمیمیت و عشق.* خانم کرمی: با هم صمیمی هستیم؛ آقای کرمی: ما با هم، هم دوستیم و هم زن و شوهر. آقای رضایی: ما واقعاً از با هم بودن لذت می‌بریم، خیلی به هم نزدیکیم. تعهد. خانم کرمی: به هم اعتماد داریم؛ آقای کرمی: تعهد خیلی مهمه ما به هم اعتماد داریم.

## ۲. همراهی با یکدیگر

*صرف اوقات با هم.* خانم رضایی: البته همه‌جارو با هم می‌ریم و دور از هم نیستیم. آقای مرادی: تو طول شبانه‌روز وقت برای خانواده حتماً می‌ذارم، دورهم نشستن و صحبت کردن همیشه تو خونمون هست.

*داشتن تفریحات خانوادگی.* خانم فاضلی: دوست دارم با شوهرم باشم و اوقاتم و تفریحاتم را با اون بگذرونم تا این که پاشم برم به مهمونی معمولی که برام مهم نیست. خانم مرادی: همیشه با هم می‌ریم تفریح حالا بعضی اوقات خیلی اساسی هم نیست مثلاً تا به پارک بریم ولی سعی می‌کنیم شهرهای ایران را بگردیم.

## ۳. حفظ حریم زندگی

**نبود انتقال مسائل به اطرافیان.** خانم فاضلی: ما هیچ کدوممون مسائلمون رو به خانواده هامون انتقال نمیدیم. آقای رضایی: هیچ وقت نداشتیم اطرافیان از مشکلاتمون باخبر بشن، یعنی تو بوق و کرنا نکردیم، خودمون نشستیم حلش کردیم.

**نبود اجازه دخالت اطرافیان.** آقای کرمی. مثلاً ما دعوا هم داشته باشیم میان خودمون حل می کنیم به هیچ کس اجازه نمی دیم وارد معرکه بشه، آگه یکی وارد معرکه بشه مشکل بزرگ تر میشه. خانم خسروی: اجازه نمیدیم به خانواده ها که بخوان چیزی بگن، یعنی جووری رفتار می کنیم که به خودشون اجازه نمیدن دخالت کنن.

**پاسداری از حریم زوجی.** خانم فاضلی: آگه من از شوهرم دلگیر باشم و اون رو بخوام به مامانم انتقال بدم، ذهنیتش عوض می شه و اون احترامی که باید رو برای شوهر من دیگه قائل نمی شه، پس این کار را نمی کنم. آقای زارعی: ما جووری رفتار می کنیم که دیگران نه تنها دخالت نکنن، بهمون احترام هم میدارن. نه اینکه اونا دخالت کننده نباشن، رفتارهای ما با همدیگه و تو بیرون مایه شده که به ما احترام بدارن.

**مرد در رأس هرم قدرت بودن.** آقای مرادی: با هم صحبت هم کردیم، میگیم که اولین حرف تو خونه باید توسط یه نفر زده بشه اون هم چه بهتر از زبان من (مرد) زده بشه. خانم مجیدی: سعی کردیم که حرف آخر حرف آقامون باشه.

#### ۴. ایفای مناسب نقش ها

**کمک به یکدیگر در ایفای نقش ها.** خانم مجیدی: حاج آقا وقتی می اومد خونه می دید خونه کثیف خودش تمیز می کرد، می شست، مثلاً لباس های خودش رو می شست. خانم خسروی: مثلاً موقع نگهداری بچه ها خیلی کمک می کرد، حساب بکنید که من صبح که می اومدم خونه دیگه نمی دونستم که این شب تا صبح چه جووری شده، خب اون بچه جاشو خیس می کرد اون رو ترو خشک می کرد این رو شیرش رو می داد حساب کنید دو تا بچه دو ساله شیر تو شیر.

**اعتلاف پذیری در نقش ها.** خانم خسروی: مثلاً توی نگهداری بچه ها یعنی واقعاً بدون منت همراهی می کرد یعنی این که آی غر بزنه سر من آگه تو نمی رفتی سر کار مثلاً من هم راحت بودم، نداشتیم. آقای ملکی: من نمیگم این کار مردا نیست انجام نمی دم، بلکه آدم منعطفی هستم، اگر نتونه کمکش می کنم.

**تفکیک و مشخص بودن نقش‌ها.** آقای مرادی: نقش هامون تفکیک شده و مشخصه. آقای رضایی: تو خونه ما هر کی می دونه چیکار باید بکنه.

#### ۵. ارتباط خوب

**گفت‌وشنود مؤثر.** آقای رضایی: ما زیاد با هم صحبت می کنیم، بحث که می شد صحبت می کردیم مثلاً می گفتیم این طور که باشه بهتره. خانم اکبری: هنوز با اشتیاق به حرف های هم گوش می دیم، می تونم بگم گفتگو هامون خیلی لذت بخشه.

**نبود الگوهای ارتباطی معیوب.** آقای جعفری: به همدیگه احترام می گذاریم، کنایه نمی زنیم. خانم مجیدی: خدا را شکر شوهر من بددهن نیست خیلی محترمانه حرف می زنه حتی آگه ناراحت بشه هم بدو بیراه نمی گه.

**بیان انتظارات از یکدیگر.** خانم کرمی: من می تونم حرف هام و انتظاراتم رابهش بگم، راحت یعنی هر حرفی باشه راحت میگم بهش. آقای ملکی: ما اگر چیزی از هم دیگه بخوایم یا دوست داشته باشیم، به هم می گیم.

**مقایسه نکردن.** آقای کرمی: خونه شما بیاد ببینه شما مبل و تشریفات و این چیزا دارید تو خونه نمی آد با من کلکل کنه که این اینو داره من ندارم اصلاً این چیزها را نداریم چشم و همچشمی نداریم، مقایسه نداریم. آقای اکبری: تا حالا نشده به من بگه فلانی این طور ولی تو این طور، سعی می کنیم زندگی خودمون را بسازیم مهم نیست دیگران چیکار می کنن.

**اعتماد متقابل.** آقای اکبری: این همون سیستم خودش رو حفظ کرده و ایجاد اطمینان داده برای من. آقای مرادی: از نخست زندگیمون جوری رفتار کردیم که مایه اعتماد همدیگه باشیم.

وجود صداقت و نبود پنهانکاری. خانم اکبری: صداقت داریم مثلاً چیزی به عنوان دروغ توی زندگی ما نیومده این رو به جرئت میتونم بگم مثلاً هیچ پنهان کاری نداریم. آقای زارعی: مخفی کاری و هرکی برا خودش یک سری کارها را بدون آگاهی طرف مقابل انجام بده نداریم. خیلی با هم روراست هستیم.

۶. سعی در رشد و ارتقای یکدیگر. آقای اکبری: ما به هم کمک می کنیم تا پیشرفت

کنیم. آقای مرادی: تو زندگی خیلی به هم کمک کردیم که با هم بالا بیایم. نه اینکه من خودمو فدای اون کنم یا اون خودش را فدای من بکنه.



## ۷. تصمیم‌گیری کارآمد

**مشورت گرفتن از هم.** خانم فاضلی: وقتی همسر من می‌خواهد به کاری بکشد با من مشورت می‌کنه. آقای مجیدی: ما حرف می‌زدیم دو نفری می‌نشستیم، می‌گفتم خانم مثلاً می‌خواهیم برای پسر بریم خواستگاری شما کسی رو سراغ دارید؟ می‌شناسید؟ بعد می‌گفت بزار جمع و جور کنم یعنی فکر کنم.

**توجه به توصیه‌های یکدیگر.** آقای فاضلی: الان ما به کارخونه داریم می‌خواستیم به معدن هم بخریم که نیازه ولی ایشون دو تا مثال آورد که به تلنگری زد به من که من اون موقع دیگه استپ کردم و نرفتم و الان می‌بینم که درست بوده. آقای کرمی: هر موقع به توصیه هاش گوش کردم ضرر نکردم، سعی می‌کنم پیشنهادات اون را هم حتماً در نظر داشته باشم.

۸. مطلع سازی و اجازه گرفتن از یکدیگر: آقای ملکی: ایشون طوری که بدون اجازه من پاشو از خونه بیرون نمی‌ذاره یا حتی من که مرد هستم بدون اجازه ایشون کاری را انجام نمی‌دم. خانم مرادی: ما هر جا میریم یا هر کاری انجام میدیم همدیگه را در جریان می‌ذاریم.

## ۹. همسویی و مشارکت

**همسویی در علایق و افکار و باورها.** آقای اکبری: ما تقریباً از لحاظ فکری و اون چیزهایی که تو زندگی می‌خواهیم با هم اشتراک نظر داریم. خانم خسروی: تقریباً چیزهایی که از زندگی می‌خواهیم یکیه، اگر هم تک و توکی باشه تو مواردیه که مهم نیست.

**همراهی و مشارکت.** آقای اکبری: پس از ده سال ازدواج هر چیزی رو که ما اندوخته بودیم رو یک‌جا از دست داده بودیم صفر بودیم الان که فکر می‌کنم دو سه تا جمله خانم به من گفته بود رو یادمه، گفت می‌تونم پول اجاره یک اتاق رو بدی، تو می‌تونی دو تا نون لواش بگیری، به من گفت همه رو از نو می‌سازیم الان وقتی به اون روز نگاه می‌کنیم دارایی‌های الان من شاید بیست برابر دارایی اون روزم باشه که از دست دادیم.

۱۰. احترام در حضور جمع. آقای زارعی: ما تو جمع به هم احترام می‌زاریم و جلو بقیه بی‌احترامی نمی‌کنیم به هم. آقای مرادی: من با همسر تو مهمونی‌ها جور رفتار

می‌کنم که هم خودش حس خوبی داشته باشه و هم دیگران پی به محکم بودن رابطمون ببرن.

کارکرد خوب منظومه پدرومادری، دربرگیرنده ریز مقولات زیر است:

**هم سو بودن در تربیت.** آقای مرادی: ما با هم در تربیت فرزندامون هماهنگ و هم نظر عمل می‌کنیم. آقای زارعی: تو تربیت بچه‌ها هم حتی با هم یک رویه مشخص داریم، هر دو تا روی تربیت بچه‌ها توافق داریم. من به چیز نمیگم خانمم به چیز دیگه.

**نقش مثبت فرزند در رابطه.** آقای زارعی: بچه که به دنیا احمد زندگیمون شیرین شد، بچه صمیمیت ما را بیشتر کرد. آقای کرمی: بچه که احمد به خودم اوادم دیگه محکم تر از قبل چسبیدم به زندگی و کوشش کردم زندگی را بسازم.

**کمک به پدر و مادر.** خانم مرادی: پسر من خیلی کمک میکنه، خیلی کارها را بهش می‌دیم. آقای مجیدی: بچه‌ها هم تو خونه و هه موقع نیاز بهمون کمک می‌کنن.

**آموزش به فرزندان.** آقای رضایی: اصلاً، بچه‌ها روادار می‌کردم که خیلی به مادرشون احترام بذارن و اذیتش نکنن، به بچه‌ها می‌گفتم که آدم باید پولهاش را اینطوری خرج نکنه روی اصول خرج کنه، اونا هم این خیلی روشون اثر گذاشت بچه‌هایی هستن که خوبن درک می‌کنن و طوری بود که به پولی هم که ما به اینا می‌دادیم پس‌انداز می‌کردن. خانم فاضلی: ما روش درست و نادرست زندگی را بهشون آموزش می‌دیم، چه با صحبت‌هامون چه با رفتارهامون.

کارکرد مؤثر منظومه خانواده‌های مبدأ دربرگیرنده خرده مقولات زیر است:

**الگوگیری ویژگی‌های مثبت و الگوگیری معکوس از ویژگی‌های منفی خانواده‌ها.** آقای جعفری: پدر من خیلی صبور بود، صبر و از اون یاد گرفتم؛ خانم مرادی: مثلاً من مامان و بابام اصلاً با هم جور نبودن، یعنی اصلاً تا آخرین لحظه اینا با هم جور نبودن و من به الگوی برعکس از اینها گرفتم.

**کمک به خانواده‌های مبدأ در صورت نیاز.** آقای کرمی: مکه رفت مادرم من را هم برد، مکه، کربلا، مادرمم پیره ۹۰ سالشه، این عین دخترش می‌مونه با ویلچر تو مکه مادرمو گردونده؛ آقای رضایی: من به پدر و مادرم مثلاً کمک مالی می‌کنم برخی وقتا نیاز می‌شد. **احترام به پدر و مادر در هر صورت.** آقای رضایی: به خونوادش خیلی من احترام می‌ذاشتم. من هیچ وقت به اونا بی احترامی نکردم حتی آگه پیش می‌ومد که اونا من رو ناراحت می‌کردن. آقای مجیدی: احترام به پدر و مادر واجبه، هر چی هم می‌گفتن من می‌گفتم چشم.

**نقش مثبت داشتن خانواده مبدأ.** آقای فاضلی: خیلی جاها میان خودمون هم اختلاف زیاد داشتیم، خانواده‌ها نیومدن بنزین پاشن روی اختلاف‌ها همیشه اومدن هدایتمون کردن. خانم رضایی: سرانجام بچه‌های من کوچیک بودن کمک می‌کردن مثلاً مادر و خانواده من نبودن، ولی اونا کمک می‌کردن بچه من را نگه می‌داشتن تا من از سر کار برگردم.

### عوامل فردی (مسائل مالی، شغلی)

**داشتن شغل.** آقای اکبری: من از همون نخست شغل داشتم. آقای مرادی: وقتی ازدواج کردیم هر دومون شاغل بودیم.

**نداشتن مسائل مالی شدید.** خانم فاضلی: اولش تنها حقوق داشتیم نه خونه و نه ماشین ولی سه سال طول نکشید که خونه گرفتیم و بعد سریع یه ماشین گرفتیم، هیچ وقت یادم نمیداد من سر مسائل مالی ناراحتی داشته باشم. آقای اکبری: تا حالا فقر سراغمون نیومده.

راهبردهای کنار آمدن همسران رضایتمند با موقعیت‌های دشوار و نواقص و کمبودها در زندگی در دو مقوله اصلی شیوه کنار آمدن همسران و شیوه کنار آمدن خانواده‌های مبدأ با مشکلات و سختی‌ها دسته‌بندی شد. لازم است ذکر شود که این راهبردها برای زمان‌های سخت زندگی و زمانی است که زندگی دچار چالش شده و یا یکی از عوامل علی و تسهیل‌گر با نقص روبرو بوده‌اند مثلاً زمانی که فرد با مشکلاتی در شغل یا مسائل مالی روبرو بوده است از راهبرد معنویت و حمایت‌گری استفاده شده است.

کنش واکنش (راهبردهای کارآمد) زوج در هنگام سختی‌ها و اختلاف‌ها:

**معنویت و مذهب.** خانم فاضلی: من همیشه با خدا راز و نیاز می‌کنم، همیشه هر چیزی رو که کم می‌آرم از خدا می‌خوام که به هم انرژی بده، قدرت بده. وقتی از خدا می‌خوام از فرداش یه انرژی خارق العاده‌ای احساس می‌کنم. آقای مجیدی: همیشه تو سختی‌ها و اختلاف‌ها میرم با خدای خودم راز و نیاز می‌کنم و صبر می‌کنم، این همیشه به من کمک کرده.

**حمایت، امیدوار کردن، آرامش دادن به یکدیگر.** آقای مرادی: من تو زندگیم این طوری بودم یعنی انصافاً هم پشت خانومم هم می‌ایستم و من هم خودم موفقیت‌ها رو بیشترینش را حاصل حمایت‌های خانومم می‌دونم.

**سعی در درک متقابل.** آقای رضایی: من تو کارای خونه کمکش می‌کردم چون آگه کمکش نمی‌کردم نمی‌تونست بچه‌ها کوچیک بودن شلوغ بودن کسی باید اینا رو بیرون ببره گردش ببره، وقتی از سر کار میومد خیلی خسته بود من بهش می‌گفتم خانوم شما استراحت کن من خودم هم خسته بودم ولی کار من نسبت به کار ایشون راحت تر بود. خانم اکبری: آدمیه که حواسش به من هست و سعی می‌کنه در زمان‌هایی که خستم یا سرم خیلی شلوغه بدون این که بگم میاد کمک می‌کنه یا مشکلی پیش میاد خیلی سعی می‌کنه با من همراهی کنه، خب منم بالطبع سعی می‌کنم باهاش همین جور باشم.

**گذشت.** خانم مرادی: گذشت خیلی مهمه، اگر گذشت نکنم، آگه کوتاه نیام خب زندگی تلخ می‌شه دیگه. آقای فاضلی: به نظر من گذشت شاه کلیده غلبه بر مشکلات و اختلاف‌ها تو زندگیه.

**حل مسئله.** آقای مرادی: ما همیشه سعی کردیم راهکاری را پیدا کنیم و مشکل رو حل کنیم. آقای جعفری: خیلی وقتها وقتی مشکلی پیش می‌آد یا می‌خوایم کاری انجام بدیم می‌شینیم می‌گیم خب الآن چه کارهایی می‌تونیم بکنیم و سعی می‌کنیم با هم فکری بهترین راه را انتخاب کنیم.

**سعی در اصلاح و تغییر.** آقای فاضلی: من هم الآن ۴۵ سال دارم ولی باز هم اعلام آمادگی می‌کنم که بدونم همسرم با چه چیزایی آرامش پیدا می‌کنه سعی می‌کنم تغییر کنم. آقای

خسروی: من همیشه مشتاقم که یاد بگیرم و روی شیوه زندگیم فکر می‌کنم و دنبال اینم ببینم کجا را اشتباه دارم می‌کنم که تغییر بدم.

**سهل‌گیری، نرمش و کوتاه آمدن موقت.** آقای رضایی: خوب به موقع پیش می‌اومد با خانوم بحث می‌کردیم ولی من سعی می‌کردم ادامه پیدا نکنه، ببینید مسائل بحث و اینا وقتی زیاد ادامه پیدا کنه تبدیل به چیزی میشه که اثر نامطلوب می‌زاره. آقای کرمی: بعضی اوقات به نظرم بهترین راه اینه که سخت نگیرم و کوتاه بیام.

**گفتگو.** آقای رضایی: وقتی مسئله‌ای پیش می‌اومد صحبت می‌کردیم. آقای اکبری: زندگی به هم ثابت کرده با صحبت کردن با هم دیگه می‌تونیم خیلی از مسائل را روشن کنیم و بتونیم راحتتر حلش بکنیم.

**حل تعارض و مدیریت تنیدگی درست.** آقای مرادی: هیچ وقت از مشکل و اختلاف‌ها فرار نکردم بلکه سعی کردم بشینیم با هم صحبت کنیم و راهی پیدا کنیم که بتونیم مشکلمون را حلش کنیم.

**مدیریت خشم.** آقای زارعی: سعی می‌کنم تو موقع خشم کمی تنها بشم بعد که آرام شدم تصمیم می‌گیرم یا حرف می‌زنم. آقای جعفری: همیشه پیش از اینکه بحث به ناراحتی بکشه سعی کردم موقتاً بحث را رها کنیم.

**پوزش خواستن.** آقای خسروی: وقتی اشتباهی اتفاق می‌افتاد بلافاصله بر می‌گشتم، می‌گفتم ببخشید اشتباه کردم. آقای فاضلی: هر جا احساس کنم اشتباه کردم حتی اگر خانم هم تا حدی مقصر بوده من به سهم خودم معذرت خواهی می‌کنم.

**شوخ طبعی و خنده.** آقای رضایی: من سعی می‌کنم با ملایمت رفتار کنم با لبخند و شوخی و اینا استفاده می‌کنم. خانم مرادی: تو خونواده ما خیلی وقتها شوخی طبعی آقا مایه شده که مشکلات و سختی‌های زندگی، زندگیمون را تلخ نکنه.

**بازخورد همراه با نرمش و بار مثبت.** خانم مرادی: همیشه نخست مثبت‌هاش را می‌گم بعد میام ایرادش رو می‌گم که قبول کنه و آرام بشه.

**تحمل سختی‌ها.** آقای کرمی: مثلاً شده بود که من تصادف کرده بودم تو خونه ما نون نبود با اون ساخت، آدمی هستش که با شرایط نمی سازه. آقای فاضلی: هیچوقت در مقابل سختی‌های زندگی پا پس نکشیدم بلکه وایسادم و با صبر به پیش رفتم.

کنش واکنش (راهبردهای کارآمد) خانواده‌های مبدأ در هنگام سختی‌ها و اختلاف‌ها: **رفتارهای تعدیل‌کننده مشکل از سوی خانواده‌ها.** خانم فاضلی: وقتی یه کم دلخوری پیش می‌ومد خواهرام به هم می‌گفتن شوهر خوبی داری یا مثلاً خانوادش خیلی خوبن و آدم احساس می‌کنه خانواده پشتش هست و هوای شوهرت رو دارن. خانم رضایی: اگر مواقعی هم مشکلی بوده خانواده‌ها همیشه سعی کردن ما را تشویق کنن به زندگی و دلگرمون کردن.

یافته‌های به‌دست‌آمده نشان‌دهنده این است که فرایند رابطه در قالب سفری به سوی بالندگی ازدواج پیامدهایی را در پی داشته که در زیر به آن پرداخته شده است.

**رضایت از زندگی.** آقای خسروی: خدا را شکر زندگی تا الآن ادامه داشته دو تا بچه هم داریم که یکیش میره دانشگاه، زندگی موفق‌تری داریم و بچه‌ها هم خوبن خدا را شکر. آقای رضایی: روند علاقمون افزایشی بوده می‌تونم به جرئت بگم که داریم به هم یه مسیر خوبی را می‌ریم تا الآن من احساس پشیمانی نکردم و راضی‌ام و ایشون هم.

در فرایند تحلیل مصاحبه‌ها شرایط زمینه‌ای را نیز را شناسایی کرده‌ایم که در زیر به آن اشاره شده است:

**همسو بودن فرهنگها و سطح خانواده مبدأ.** خانم فاضلی: خانواده‌ها هم خیلی مهم هستن، ما خانواده‌ها مون هم خیلی با هم جورن، هم بابای اون هم بابای من، کلاً تو یه سطحه. آقای مرادی: فرهنگمون هم ترازه آدم احساس می‌کنه برخی خانواده‌ها که همترازی فرهنگ ندارن یه مقدار اختلافاتی پیش میاد.

**نبود وجود یا قبیح بودن طلاق در خانواده‌های مبدأ.** خانم ملکی: تو فرهنگ خانوادگی همسر بنده چیزی به اسم طلاق خدا را شکر وجود ندار و اینجور تربیت شدیم که همه انسانها ممکن اختلاف نظر داشته باشن مهم مهارت حل اختلافه. خانم فاضلی: تو خانواده‌های هر دومون طلاق خیلی زشته و تا حالا تو خانواده ما طلاق نداشتم.

پس از انجام کدگذاری انتخابی ارتباط مقولات با یکدیگر در قالب مدل پارادایمی استوار بر نظریه زمینه‌ای شناسایی شد که در شکل ۱ تحت عنوان الگوی ازدواج پایدار رضایتمند نشان داده شده است.

### شکل ۱. الگوی ازدواج پایدار رضایتمند

#### عوامل مداخله گر



#### مقوله مرکزی: سفری به سوی ازدواج بالنده

لازم به ذکر است که همان‌طور که در جدول شماره ۱ آمده است در ادامه فرایند کدگذاری با انجام کدگذاری انتخابی، طبقه یا مقوله سفر به سوی ازدواج بالنده به‌عنوان طبقه مرکزی شناسایی شد که تمام طبقات فرعی به آن بازمی‌گردد و چارچوبی برای الگوی ارائه‌شده فراهم آورد. طبقه مرکزی گفته‌شده به برقراری نوعی یکپارچگی در کدها و مقوله‌ها کمک و منجر

به ایجاد یکپارچگی در الگوی نهایی شد که در بخش بحث و نتیجه گیری به آن پرداخته شده است.

### نتیجه گیری

اطلاعات به دست آمده از پژوهش بیان کننده این است که مقوله ازدواج پخته جزء شرایط علی برای ازدواج پایدار رضایتمند است، ازدواج پخته در دربردارنده مفاهیمی همچون داشتن آمادگی نسبی پیش ازدواج، نا وابستگی نسبی پیش ازدواج، داشتن کشش و علاقه نخستین، آشنایی پیش ازدواج است. عوامل درون شخصی (نگرش های مؤثر، ویژگی های شخصیتی مناسب) و میان فردی (منظومه زناشویی پدرومادری و چند نسلی کارآمد) و فرا فردی (مالی و کاری) از جمله عوامل میانجی مؤثر در ازدواج پایدار می باشند. البته برخی راهبردهای مؤثر نیز در پژوهش به دست آمد که همسران پایدار و خانواده های آنها در هنگام سختی ها و شرایط نبود وجود عوامل منتهی به ازدواج پایدار از آن بهره می گرفتند. پیامد نهایی رضایتمندی ازدواج بود.

یافته های این پژوهش در مواردی با یافته های دیگر پژوهش ها همسو است، پژوهش های دیگر که اکثراً پژوهش های خارجی هستند به نقش برخی از این مؤلفه ها در پایداری و رضایتمندی ازدواج اشاره کرده اند که در ادامه آمده است: شکل گیری درست ازدواج یا شیوه همسرگزینی مناسب (منصوری نیا، اعتمادی، فاتحی زاده و حسن پور، ۱۳۹۰، کاسلو رابینسون، ۱۹۹۶)، باورها و نگرش های کارآمد (منصوری نیا، اعتمادی، فاتحی زاده و حسن پور، ۱۳۹۰)، تکیه به خداوند و انجام اعمال و دستورات دینی (مارکز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ بروکز، ۲۰۰۶)، همسو بودن در ارزش های اخلاقی و اعتقادی (دونگ لی، ۲۰۰۸). مقاومت و پشتکار، صبور بودن و شکیبایی (شریسا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴) عشق و تعلق خاطر (دیکسون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳؛ باچاند و کارون، ۲۰۰۱؛ بروکز، ۲۰۰۶)، ابراز محبت کلامی و غیر کلامی (دونگ لی، ۲۰۰۸)، صمیمیت (گاتمن و سیلور<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹)، تعهد وفاداری به همسر (شریسا، ۲۰۱۴، مارستون، چچت، مانک، مک دانیل و ریدر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸؛ باچاند و کارون، ۲۰۰۱؛ بروکز، ۲۰۰۶) همراهی و صرف اوقات با هم

1. Marks

2. Shirisia

3. Dixon

4. Gottman & Silver

5. Marston; hecht; manke; mcdaniel and reeder



(چیونگ، ۱۹۹۹؛ باچاند و کارون، ۲۰۰۱؛ بروکز، ۲۰۰۶)، الگوی ارتباطی کارآمد (ویس،<sup>۱</sup> ۲۰۱۴، راگوف،<sup>۲</sup> ۲۰۱۳؛ باچاند و کارون، ۲۰۰۱)، رابطه جنسی رضایت‌بخش (باچاند و کارون، ۲۰۰۱)، ایفای نقش و انجام وظایف مشخص اعضا (صفورایی، ۱۳۸۸، به نقل اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۲)، روش کنار آمدن با تنیدگی کارآمد و روش حل تعارض مناسب (ویس، ۲۰۱۴، درایور و گاتمن،<sup>۳</sup> ۲۰۱۴)، شوخ‌طبعی (دیکسون، ۲۰۱۳)، رویکرد حل مسئله مناسب (دونگ لی، ۲۰۰۸، راگوف، ۲۰۱۳)، شرایط اقتصادی مناسب، حضور فرزند (لی و فانگ، ۲۰۱۱)، درک کردن و بخشش (بروکز، ۲۰۰۶).

معدود پژوهش‌هایی که به حریم سازی و حفظ مرزهای مناسب با خویشان به‌عنوان عامل‌های مؤثر در پایداری و رضایتمندی ازدواج‌ها اشاره کرده‌اند یا در فرهنگ شرقی انجام گرفته یا بر روی شرقی‌هایی که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند انجام شده است. به‌عنوان مثال کولاموسی (۲۰۱۳) به بررسی آنچه ازدواج زنان ایرانی مهاجر در آمریکا را موفق می‌سازد پرداخته و به مؤلفه‌هایی همچون حفظ مرزهای مناسب با خویشان سببی و احترام به خانواده‌های مبدأ به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم یاد کرده است که همان‌طور که کولاموسی (۲۰۱۳) یادآور می‌شود عاملی متمایز از آن چیزی است که در ازدواج‌های غربی تأثیرگذار است.

همچنین السون، دفرین و السون (۱۹۹۸) پابندی به خانواده، قدردانی و محبت نسبت به یکدیگر، ارتباط مثبت، وقت‌گذرانی لذت‌بخش با یکدیگر در زمان‌های مناسب، احساس سلامتی معنوی، توانایی تحمل فشارها و بحران‌ها را شش شاخصه بارز خانواده‌های سالم عنوان کرده است (به نقل از صادقی، فاتحی زاده، احمدی، بهرامی و اعتمادی، ۱۳۹۴) که هر شش شاخصه از شاخص‌هایی است که در پژوهش حاضر نیز به‌بالنده شدن و پایداری ازدواج‌ها کمک نموده‌اند.

در ادامه به تبیین یافته‌های پژوهش حاضر پرداخته شده است. مقوله مرکزی در این پژوهش سفری به سوی بالندگی ازدواج بود، اصطلاح سفر به این دلیل استفاده شد که رسیدن به ازدواج بالنده اتفاقی ناگهانی نیست بلکه فرایندی است که با گذر از فراز و نشیب‌های زندگی، زوج می‌توانند به آن برسند و مانند هر سفری زیبایی‌ها و سختی‌های خاص خود را دارد. همان‌طور

1. Weiss

2. Rogoff

3. Driver & Gottman

که بسیاری از زوج‌های خوشبخت بیان کردند که زندگی هر گز آسان نبوده و سختی‌های خاص خودش را دارد مثلاً آرزایی گفت "ما سختی زیاد کشیدیم ولی خدای نکرده نگفتم مثلاً من تو را نمی‌خوام چرا این جوری کردی"، آقای زارعی: "ما تو زندگی سختی داشتیم ولی تحمل هم داشتیم". از سویی دیگر بالندگی اشاره به شکوفایی دارد یعنی هر دو زوج تمام کوشش خود را برای بالنده شدن خود و همسر و فرزندان و ارتباطشان می‌کنند و البته در مراتب بعدی کوشش در جهت بالندگی انسان‌های دیگر نیز دارند مثلاً آقای خسروی بیان کرد "هر وقت دوروبر ما کسی مریض بوده یا مشکل داشته ما پیش قدم بودیم. وقتی یه کسی مشکل دار خانوم من سریع پیش قدم می‌شه، مشکل دیگران رو مشکل خودمون می‌دونیم" که البته این ویژگی بارز فرهنگ جمع‌گراست که بر ارتباط، نوع دوستی و دیگر خواهی متمرکز است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳) و این پژوهش را از پژوهش‌ها دیگر که در غرب انجام شده متمایز می‌کند. این کوشش برای بالندگی با کنار گذاشتن خودخواهی همراه بوده است.

مقوله مرکزی بر تمام مقولات دیگر سایه افکنی داشته است. به عنوان مثال در بحث ویژگی‌های شخصیتی جنگیدن برای ازدواج و صبور بودن در برابر ناملایمی‌های رابطه، از خودگذشتگی و مسئولیت‌پذیری همه در افرادی یافت می‌شود که خودخواهی را کنار گذاشته و درصدد ارتقا بخشی به رابطه، همسر و فرزندان خود هستند؛ و یا در مقوله‌ها نگرش‌ها، همسران پایدار درباره همسر، خانواده مبدأ و دیگران نگرش انسان دوستانه دارند و درباره این افراد احساس شفقت دارند و گرایش به کمک کردن دارند به عنوان مثال خانم مرادی گفت "من سعی کردم هیچ وقت دست و پاشو نگیرم، نه تنها دست و پاشو نگیرم که کمکش هم بکنم و همه می‌دونن که از نخست ازدواج هر چی درآمد داشتم دادم بهش"

و یا در عوامل میان فردی در منظومه زناشویی مقوله عشق‌ورزی بسیار پررنگ بود؛ که البته عشق‌ورزی مؤلفه‌ای است که در نهایت به بالندگی ارتباط کمک می‌کند و یا همراهی با هم که نوعی سرمایه گذاری برای بهبود ارتباط و زندگی است. حفظ حریم زناشویی نیز در راستای نبود اجازه دسترسی دیگران به چیزی ارزشمند به نام حریم زوجی است تا از آفت‌های بیرونی محفوظ بماند. این همسران به دلیل اهمیت بالایی که برای رابطه قائل‌اند انعطاف‌پذیری در نقش‌ها دارند و به یکدیگر کمک می‌کنند و هر کدام سعی در ایفای مناسب نقش خود دارد تا رابطه به بهترین شکل خود درآید. تصمیم‌گیری نیز همراه با مشورت است چون این همسران

در جهت بالندگی رابطه می‌کوشند و نه ارضای نیازهای خودخواهانه و ارتباط کارآمد با یکدیگر دارند چون همراه با همدلی است و همدلی در این زوجها یعنی توجه به دیگری و در نظر داشتن همسر.

در منظومه خانواده‌های مبدأ این همسران نگرش احترام در عین نا وابستگی را داشتند. در این زمینه باید گفت که این همسران مؤلفه نا وابستگی وابستگی را در نقطه تعادلی مناسبی حفظ می‌کردند، به شکلی که هم از حمایت خانواده‌های مبدأ بهره می‌بردند و هم به آنها کمک می‌کردند و از سویی هم اجازه ورود به حریم‌های خصوصی را نمی‌دادند که منجر به حفظ رابطه در نقطه تعادلی مناسبی بود. البته همسران در این مقوله بیشتر بر رابطه زوجی خود و حفظ آن اهمیت می‌دادند تا خانواده‌های مبدأ. مثلاً خانم مجیدی می‌گفت " مادرم وقتی دیگران می‌اومدن می‌دیدن من خونه‌ام به شوهرم گفت اجازه نمی‌دم دخترم باهات بیاد من اون جا سریع با همسرم رفتم و به مامانم گفتم شوهرمه و می‌خوام با همه چیزش بسازم ". به نظر می‌رسد که در این همسران، بالندگی ازدواج در اولویت اصلی است و تمام کوشش همسران برای حفظ این ازدواج است و حتی زمان‌هایی که خانواده‌های مبدأ قصد دخالت را داشتند علی‌رغم احترامی که برای آنها قائل بودند، اجازه دخالت داده نمی‌شد. در بحث منظومه پدرومادری نیز باید گفته شود که فرزند در ازدواج‌های بالنده باوجود سختی‌هایی که برای همسران داشته (مثلاً خانم اکبری می‌گفت: "در بارداری برای هر سه فرزندم نزدیک بوده بمیرم") از نقش مثبت برخوردار بوده و در راستای بالندگی ارتباط بوده است. مثلاً آقای زارعی می‌گفت: "بچه که به دنیا احمد زندگیمون شیرین شد، بچه صمیمیت ما را بیشتر کرد" و البته همسران در جهت بالندگی فرزندان نیز سرمایه‌گذاری می‌کردند و آموزش می‌دادند مثلاً آقای رضایی گفت "بچه‌ها روادار می‌کردم که خیلی به مادرشون احترام بذارن و اذیتش نکنن چون مادر خسته بود می‌گفتم اتاق نرید بزارید مامان استراحت کنه مامان خسته شده، به بچه‌ها می‌گفتم که آدم باید پولاشو این طوری خرج نکنه روی اصول خرج کنه، اونا هم این خیلی روشون اثر گذاشت بچه‌هایی هستن که خوبن درک می‌کنن و طوری بود که یه پولی هم که ما به اینا می‌دادیم پس انداز می‌کردن"

در زمینه عوامل فرا فردی نیز باید گفت که این همسران اغلب مشکلات مالی شدید و یا دوره‌های بیکاری طولانی نداشتند و عوامل مالی مانع بزرگی بر سر راه بالندگی آنها نبوده

است. درزمینه راهبردها باید گفت که بزرگ‌ترین راهبرد این همسران گذشت بود که با توجه به فرهنگ جمع‌گرای شرقی قابل تبیین است. البته این همسران سعی در اصلاح و تغییر خود داشتند تا رابطه زیباتری داشته باشند مثلاً آقای فاضلی می‌گفت "من هم الان ۴۵ سال دارم ولی باز هم اعلام آمادگی می‌کنم که بدونم همسرم با چه چیزایی آرامش پیدا می‌کنه، سعی می‌کنم تغییر کنم حتی آگه برخلاف ساختار من باشه"، خانم فاضلی بیان کرد "من خیلی حساس و زودرنجم همه چی زود به هم بر می‌خوره الان یه کمی خودم رو تغییر دادم و سعی می‌کنم خیلی زودرنج نباشم، زود به هم برنخورم." همچنین تکیه بر خدا و خدادوستی نیز به بالندگی ارتباط کمک نموده است.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد ازدواج پایدار همچون سفری به سوی بالندگی و رشد واحد زوجی است، رسیدن به ازدواج بالنده اتفاقی ناگهانی نیست بلکه فرایندی است که با گذر از فراز و نشیب‌های زندگی، همسران می‌توانند به آن برسند و مانند هر سفری زیبایی‌ها و سختی‌های خاص خود را دارد و افرادی که از ویژگی‌های شخصیتی کارآمد، نگرش‌های کارآمد، توانایی ایجاد و راهبرد منظومه‌های کارآمد، راهبردهای کنار آمدن با سختی و اختلاف کارآمد برخوردارند می‌توانند در این سفر پرفرازونشیب به مقصد پایداری رضایتمند برسند.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۳). خانواده ایرانی. تهران: نشر علم.
- زارعی محمدآبادی، حسن. (۱۳۹۱). بررسی رابطه شیوه‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های شخصیتی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زوهای عادی و خواهان طلاق شهر یزد. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲(۳): ۵۷۱-۵۵۴.
- صادقی، مسعود؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، سید احمد؛ بهرامی، فاطمه و اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۴). تدوین مدل خانواده سالم بر پایه دیدگاه کارآزمودگان خانواده (یک پژوهش کیفی). فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۵(۱): ۱۷۰-۱۴۱.
- صیدی، محمد سجاده؛ باقریان، فاطمه. (۱۳۹۰). پیش‌بینی سرسختی خانواده توسط آسایش و انجام فرایض دینی در منزل با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۲): ۲۴۲-۲۲۶.

عباسی، مرتضی؛ مدنی، یاسر و غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش گروهی برنامه کاربرد عملی مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر الگوهای ارتباطی زوج‌های در آستانه ازدواج. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۲): ۲۴۶-۲۲۷.

محمدی، رحمت اله؛ احمدی، سید احمد؛ اعتمادی، عذرا؛ فاتحی زاده، مریم و عابدی، احمد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ساده و چندگانه میان شیوه زندگی با تعالی خانواده. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۳(۱): ۱۰۴-۸۹.

منصوری نیا، آذر دخت؛ اعتمادی، عذرا؛ فاتحی زاده، مریم و حسن‌پور، افسانه. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش پیش ازدواج بر میزان رضایت زناشویی همسران شهر اصفهان. یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۶۶-۶۵.

Bachand, L. & Caron, S. (2001). Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages. *Contemporary Family Therapy*, 23(1): 105-121.

Brooks, Prudence (2006). A qualitative study of factors that contribute to satisfaction and resiliency in long-term African American marriages. unpublished doctoral dissertation, our lady of the lake university.

Cheung, M. (2005). A cross-cultural comparison of gender factors contributing to long-term marital satisfaction: A narrative analysis. *Journal of Couple and Relationship Therapy*, 4(1): 51-78.

Colamussi, A. L. (2013). Iranian Women in Marriage: An Exploratory Study. Doctoral dissertation in Couple and Family Therapy. Alliant International University.

Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (Eds). (1994). Handbook of qualitative research. Thousand Oaks, CA: Sage.

Dixon, D. C. (2013). Christian Spirituality and Marital Health: A Phenomenological Study of Long-Term Marriages. A Doctoral Dissertation in Counseling. Liberty University.

Driver, J. L. & Gottman, J. M. (2005). Dysfunctional marital conflict and everyday marital interaction. *Journal of Divorce and Remarriage*, 43(3/4): 65-77.

Dung Le, T. M. (2008). Vietnamese Couples' Perceptions of the Factors that Contribute to Satisfaction in Long-Term Marriages. A Master Dissertation in social work. University of Manitoba.

Gottman, J. M. & Silver, N. (1999). The seven principles for making marriage work. New York, NY: Three Rivers Press.

Hopkins-Williams. K. (2007). "Yes, they're out there:" A qualitative study on strong African American marriages. Unpublished doctoral dissertation. Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College.

Kaslow, F. & Robison, J. A. (1996). Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *The American Journal of Family Therapy*: 24(2): 153-168.

- Li, T., & Fung, H. H. (2011). The dynamic goal theory of marital satisfaction. *Review of General Psychology*, 15: 246-254.
- Marks, L. (2005). How does religion influence marriage? Christian, Jewish, Mormon and Muslim perspectives. *Marriage & Family Review*, 38(1): 85-111.
- Marston, P.J.; hecht, M. L.; manke, M. L.; mcdaniel, S. and reeder, H. (1998). The subjective experience of intimacy, passion, and commitment in heterosexual relationship. *Personal relationship*, 5: 15-30.
- Michalitsianis, N. (2014). Resiliency: A resource for promoting marriage satisfaction. Master dissertation in Marriage & Family Therapy. Kean University.
- Nimtz, Mark A. (2011). Satisfaction And Contributing Factors In Satisfying Long-Term Marriage: A Phenomenological Study. Unpublished doctoral dissertation, Liberty University.
- Parker, R. (2002), Why marriages last: A discussion of the literature, Research Paper No. 28, Australian Institute of Family Studies, Melbourne.
- Rogoff, L. (2013). The Influence of Family Communication Patterns, Marital Typology, and Level of Intimacy on Marital Satisfaction for Couples Living in the United States. Doctoral dissertation in clinical psychology. Walden University.
- Shirisia, L. (2014). Strong Marriages in the African American Community: How Religion Contributes to a Healthier Marriage. Master Dissertation In Family, Consumer, and Human Development. Utah State University.
- Silverman, D. (2005). *Doing Qualitative Research*, London: Sage Publication.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, CA: Sage Publications.
- Weiss, J. M. (2014). Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages. Master Dissertation In Family, Consumer, and Human Development. Utah State University.